



دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

دانشکده فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

وحدت حقه حقیقیه خداوند در حکمت متعالیه و آیات و روایات

استاد راهنما: دکتر یارعلی فیروزجائی

استاد مشاور: دکتر سید محمود موسوی

نگارش: مرضیه خیرخواه

بهمین 93



چکیده

بحث وحدت حقه حقیقیه در حکمت متعالیه بحثی است که یا به بحث وحدت شخصی وجود مرتبط می شود یا به بحث وحدت خاص تشکیکی وجود. به همین خاطر دو دیدگاه در زمینه وحدت حقه خداوند مطرح شده است یک دیدگاه که قائل به وحدت شخصی وجود است می گوید: وجود خداوند آنچنان بی حد و نهایت است که جایی برای غیر نگذاشته است یعنی این فقط خداوند است که دارای وجود عینی و بالذات است و دیگر موجودات دارای وجود بالعرض و المجاز هستند. یعنی از همان وجود خداوند انتزاع می شوند و چیزی نیستند جز شئون و تجلیات ذات خداوند لذا خداوند نمی تواند ثانی داشته باشد چون اصلاً در دار هستی وجود عینی دیگری غیر از خداوند وجود ندارد تا ثانی او محسوب شود در این نظریه خداوند همان حیث اطلاقی و سعی وجود است که بر شئون و تجلیات ذات خود احاطه دارد. دیدگاه دوم که قائل به وحدت خاص تشکیکی وجود (وحدت سریانی) است می گوید وجود خداوند آنچنان بی حد و نهایت است که کل عالم هستی را پر کرده است و بر همه موجودات دیگر احاطه وجودی دارد لذا نمی تواند ثانی داشته باشد چون در عرض و کنار وجود او وجودی نیست تا ثانی او محسوب شود و موجوداتی که در عرض و کنار وجود او موجودند نمی توانند ثانی او محسوب شوند چون همتای او نیستند. فرق اساسی بین این دو وحدت این است که در وحدت شخصی وجود، وجود بالذات و عینی از موجودات دیگر سلب می شود اما در وحدت سریانی وجود بالذات و عینی از ما سوی الله سلب نمی شود.

اکثر آیات و روایاتی که در زمینه وحدت خداوند آمده اند هر چند وحدت حقه را اثبات می کنند اما واضح و مبرهن نیست که مراد این آیات و روایات از وحدت حقه، وحدت حقه شخصی (وحدت شخصی وجود) است یا وحدت حقه سریانی (وحدت سریانی). اما تعدادی از آیات و روایات نیز هستند که وحدت حقه شخصی را به طور صریح اثبات می کنند.

کلیدواژه: وحدت حقه حقیقیه، وحدت خاص تشکیکی وجود، وحدت سریانی، وحدت شخصی وجود، حکمت متعالیه،

شئون و تجلیات ذات خداوند، وجود بالعرض و المجاز، آیات و روایات

تقدیم به:

پدر و مادر بزرگواری که در این راه دلسوزانه مشوقم بودند.

تقدیر نامه

در این جا لازم می دانم از زحمات اساتیدم به ویژه دکتر یار علی فیروزجائی و دکتر سید محمود موسوی که در تهیه و تنظیم این پژوهش مرا راهنمایی و یاری کردند تقدیر و تشکر کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
1	مقدمه
2	فصل اول: کلیات
3	1-1- گفتار اول: طرح تحقیق
3	1-1- تبیین مسئله
3	2-1- اهمیت و فایده این پژوهش
4	3-1- سابقه تحقیق
5	4-1- اهداف تحقیق
6	5-1- سوالات اصلی و فرعی تحقیق
6	6-1- فرضیه تحقیق
7	7-1- پیش فرض های تحقیق
7	8-1- روش تحقیق
8	2-2- گفتار دوم: مفهوم شناسی
8	1-2- وحدت حقه حقیقیه در اصطلاح
8	2-2- اقسام وحدت
11	فصل دوم: وحدت حقه حقیقیه از دیدگاه حکمت متعالیه
14	مقدمه
14	- پیشینه وحدت حقه در فلسفه اسلامی
15	- اتصالات وحدت حقه

- 15----- بحث وحدت حقه ناظر به کدام توحید؟-----
- 17----- 1-گفتار اول: تبیین دیدگاه حکمت متعالیه در مورد وحدت حقه حقیقیه-----
- 19----- 1-1- وحدت خاص تشکیکی وجود-----
- 21----- 2-1- وحدت شخصی وجود-----
- 22----- 3-1- اطلاعات وجود-----
- 22----- 4-1- انواع حیثیات-----
- 35----- 2-گفتار دوم: دلایل اثبات وحدت حقه حقیقیه-----
- 36----- 1-2- دلایل اثبات وحدت شخصی وجود-----
- 36----- 2-2- اثبات وحدت شخصی وجود از طریق ربط علی-----
- 40----- 3-2- اثبات وحدت شخصی وجود از طریق قاعده بسیط الحقیقه-----
- 45----- 4-2- دلایل اثبات وحدانیت واجب الوجود-----
- 45----- 5-2- اثبات وحدانیت واجب الوجود از طریق قاعده بسیط الحقیقه-----
- 46----- 6-2- اثبات وحدانیت واجب الوجود با تکیه بر صرافت و لا یتناهی بودن وجود خداوند-----
- 49----- 3-گفتار سوم: دفع شبهات عقلی وارد شده بر وحدت حقه حقیقیه-----
- 49----- 1-3- نقد و بررسی شبهه وارد شده بر توحید واجب الوجود-----
- 52----- 2-3- نقد و بررسی شبهات وارد شده بر وحدت شخصی وجود-----
- فصل سوم: وحدت خداوند از دیدگاه آیات و روایات**
- 56----- 1-گفتار اول: وحدت خداوند در قرآن-----
- 57----- 1-1- بررسی آیه «قل هو الله احد»-----
- 59----- 2-1- بررسی آیه «لم یلد و لم یولد»-----
- 63----- 3-1- بررسی آیات دال بر قهاریت و وحدانیت خداوند-----
- 64----- 4-1- بررسی آیه 3 و 4 سوره حدید-----

- 67-5-1- بررسی آیه 115 سوره بقره-----
- 68-6-1- بررسی آیه 126 سوره نساء-----
- 69-7-1- بررسی آیه 7 سوره سوره مجادله-----
- 70-8-1- بررسی آیه «کل شیء هالک الا وجهه»-----
- 74-2- گفتار دوم: وحدت خداوند در روایات-----
- 75-1-2- بررسی خطبه یک نهج البلاغه-----
- 78-2-2- بررسی خطبه 152 نهج البلاغه-----
- 2-2- بررسی روایتی از اصول کافی-----
- 79
- 82-3-2- بررسی روایتی از توحید صدوق-----
- 4-2- بررسی روایات دیگر-----
- 84
- 87- خاتمه و جمع بندی-----
- 91- منابع-----

مقدمه

اصل «توحید» از اساسی ترین اصول دین اسلام است به طوری که می توان گفت دین اسلام بر پایه این اصل بنا شده است حتی می توان گفت که تمام همت دین اسلام این است که این اصل در جامعه پیاده شود تمام احکام و قوانینی که در اسلام بیان شده است برای این است که مردم با انجام آنها به این اصل ناب برسند. با این همه اصل «توحید» یکی از پیچیده ترین و عمیق ترین مسائل اسلامی است که حکمت متعالیه از آن تعبیر به وحدت حقه حقیقیه می کند.

علمای شیعه به خصوص فلاسفه حکمت متعالیه، با دید عمیق تری به این مسئله (توحید)، نگرسته اند. دلیل آن، روایاتی است که از اهل بیت علیه السلام به جا مانده است و فیلسوفان حکمت متعالیه به این روایات توجه کرده اند. ریشه بحث «وحدت حقه حقیقیه» را می توان در روایاتی یافت که از قدیم الایام در کتاب های معتبر شیعه بجا مانده است. اما با این حال، سؤالات زیادی پیرامون «وحدت حقه حقیقیه مطرح است که در پژوهش حاضر به بعضی از این سؤالات اشاره خواهیم کرد. هدف اصلی این پژوهش هم آن است که پاسخ صحیحی در قبال آنها ارائه دهد. امیدواریم به لطف خدا موفق شویم و اهداف مورد انتظار در این تحقیق را به سرانجام رسانیم.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات

1- گفتار اول: طرح تحقیق

1-1- تبیین مسئله

در حکمت متعالیه وقتی بحث از توحید خداوند می شود گفته می شود که مراد از وحدت خداوند نه وحدت عددی است و نه وحدت نوعی. بلکه وحدت حقه است. چون عدد از مقوله کم است و کمیت عارض امور مادی و اجسام می گردد و چیزی که مبرا از ماده و جسم است متصف به وحدت عددی نمی گردد و از طرف دیگر گفته میشود وحدت نوعی به معنای انحصار نوع در یک فرد مربوط به حقایق ماهوی است چون جنس و فصل و نوع متعلق به حقایق ماهوی است و زمانی که واجب الوجود منزله از ماهیت باشد به طریق اولی منزله از وحدت نوعی است.¹

حال با توجه به این مباحث این سوالات مطرح می شود که مراد از وحدت حقه حقیقه چیست؟ وقتی که وحدت خداوند نه از نوع وحدت عددی است و نه از نوع وحدت نوعی پس چگونه وحدتی است. چه فرق اساسی بین وحدت خداوند با وحدت بقیه موجودات است؟ مراد آیات و روایات از وحدت خداوند چیست؟ آیا وحدتی که در حکمت متعالیه برای خداوند مطرح می شود با وحدتی که در آیات و روایات برای خداوند مطرح می شود یکی است؟

1-2- اهمیت و فایده این پژوهش

این بحث از آن جهت که پیرامون تبیین صفتی از صفات خداوند است بسیار حائز اهمیت است چون اگر در این زمینه درست پژوهش شود معرفت ما را نسبت به خداوند بالا

¹- آیت الله عبدالله جوادی آملی، ریحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه)، 10 جلد، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم، قم، 1386ش، ج 2، ص 287.

می برد و معرفت خداوند از مهمترین اموری است که هر فرد مسلمان باید در پی آن باشد تا به سعادت واقعی خود برسد. اگر ما درک درستی از وحدت خداوند نداشته باشیم به توحید ناب اسلامی که در آیات و روایات مطرح شده نمی‌رسیم و این نرسیدن ما را از بدست آوردن کمال بالاتر محروم می‌کند.

از طرفی دیگر با بررسی آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده شخص منصف می‌تواند به حقانیت اسلام به ویژه مذهب تشیع پی برد چون می‌بیند که عمیق ترین مباحث فلسفی که در چند قرن اخیر مطرح شده اند قرن ها پیش در آیات و روایاتی مطرح شده که در آن زمان هیچ گونه بحثی در این زمینه نبوده است.

از طرفی دیگر با تحقیق و پژوهش در این زمینه می‌توانیم به سوالات و شبههاتی پاسخ دهیم که در یکی از مهمترین مباحث فلسفی اسلامی مطرح شده است و از طریق دفع شبهات، شک و تردیدهایی که ممکن است در این زمینه ایجاد شود برطرف می‌گردد.

3-1- سابقه تحقیق

کتاب وحدت از دیدگاه عارف و حکیم: این کتاب توسط علامه حسن زاده آملی به نگارش درآمده است که علاوه بر مقالات خود علامه حسن زاده آملی دارای دو مقاله و یک رساله دیگر است که تاکنون چاپ نشده اند و درج آنها در این کتاب به خاطر ارتباط آنها با این بحث بوده است.

این کتاب از پیشگفتاری آغاز می‌شود که مباحث مطرح شده در آن عبارتند از: «علماء ورثه علم محمد صلی الله علیه و آله هستند»، «در پیدایش تمدن عظیم اسلامی»، «معجزات قولی سفرای الهی، قویترین حجت بر حجت بودن آنان است». بعد از این پیشگفتار رساله ای در باب وحدت و کثرت ارائه می‌شود که در این مبحث ادغان می‌شود که بحث وحدت و

کثرت در کتب حکیمان الهی در حقیقت ناظر به تفسیر دو اسم مبارک واحد و أحد و سیر در این دو اسم الهی است و در انتها ناظر به توحید ذات واجب الوجود است که علاوه بر احدیت و واحدیت ذات، واحد به وحدت حقه حقیقیه است. در این رساله (وحدت و کثرت) مباحث زیادی در زمینه وحدت و کثرت طرح می شود که هر کدام در حد خود حائز اهمیت است و از این قبیل اند: «وحدت مساوق وجود است»، «تقابل بین وحدت و کثرت»، «مضاهات بین وحدت و وجود» و... در این رساله است که مقاله وحدت وجود به قلم آیت الله رفیعی به خاطر ارتباطی که با این بحث داشته ارائه می شود. بعد از آن رساله ای دیگر در باب توحید از دیدگاه عارف و حکیم ارائه می شود که در آن علامه حسن زاده آملی به نقد و بررسی نظریات مختلف در باب توحید می پردازد و در آخر نظریه برتر را می پذیرد.

بعد از آن، مقاله ابن کمونه در مبدأ و معاد که متضمن رد شبهه تعدد واجب است مطرح می شود در این مقاله ابن کمونه از وحدت صنع به وحدت صانع می رسد از این جهت علامه حسن زاده آملی این مقاله را با توجه به ارتباطی که با بحث وحدت و کثرت داشته مطرح کرده است و به نقد و بررسی آن پرداخته است. سپس مقاله ای دیگر با عنوان «لقاء الله بر برهان صدیقین» و سپس مقاله ای دیگر در باب تفسیر آیه مبارکه «بسم الله الرحمن الرحیم» ارائه می شود و در آخر رساله ای دیگر در باب تفسیر مبارکه توحید از شیخ عارف رجب بن محمد بررسی ارائه می شود و بحث خاتمه داده می شود.

از مزایای این کتاب جامعیت و کامل بودن مباحث این کتاب است

4-1-اهداف تحقیق

هدف این پژوهش این است که ابهاماتی را که در این زمینه مطرح است را دفع کند و کاملاً مشخص کند که مراد آیات و روایات از وحدت خداوند چیست؟ و مراد حکمت متعالیه از

وحدت حقه حقیقیه چیست؟ و از طرفی دیگر هدف آن است که مشخص شود که آیا می توان از آیات و روایات همان دیدگاه حکمت متعالیه را برداشت کرد یا خیر؟ اما کاربردی که این پژوهش می تواند داشته باشد این است که می توان از این پژوهش در مباحث خداشناسی استفاده کرد.

5-1- سوالات اصلی و فرعی تحقیق

سوال اصلی: وحدت حقه حقیقیه از دیدگاه آیات و روایات و حکمت متعالیه چیست و

چه نسبتی بین آن دو وجود دارد؟

سوالات فرعی:

- 1- مراد حکمت متعالیه از وحدت حقه حقیقیه چیست؟
- 2- حکمت متعالیه برای اثبات وحدت حقه حقیقیه چه ادله ای را بیان می کند؟
- 3- در مقابل شبهات عقلی ای که بر وحدت حقه حقیقیه وارد شده چه پاسخ هایی می توان داد؟

4- مراد آیات از وحدت خداوند چیست؟

5- مراد روایات از وحدت خداوند چیست؟

6- آیا دیدگاه حکمت متعالیه با دیدگاه آیات و روایات در این مورد یکی است؟

6-1- فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: حکمت متعالیه از وحدت خداوند تعبیر به وحدت حقه حقیقیه می کند اما

با توجه به عبارات مختلفی که از علمای حکمت متعالیه به جا مانده تعبیر مختلفی در مورد

وحدت حقه حقیقیه وجود دارد. گاهی چنین گفته می‌شود که چون در جهان خارج این فقط خداوند است که دارای وجود عینی و واقعی است و دیگر موجودات بالعرض و المجاز متصف به وجود می‌شوند و در واقع از مراتب و شئون ذات خدایند، لذا فرض ثانی در مورد خداوند محال است و گاهی نیز چنین گفته می‌شود که چون وجود خداوند بی حد و نهایت است و وجودش به گونه ای است که سرتاسر عالم هستی را احاطه کرده، فرض ثانی در مورد او محال است.

اکثر آیات و روایاتی که در این زمینه وارد شده است. وحدت حقه حقیقه را اثبات می‌کنند، اما مشخص نیست که مراد آنها وحدت حقه نوع اول است یا نوع دوم، اما تعداد کمی از آنها وحدت حقه نوع اول را به طور صریح اثبات می‌کنند.

فرضیه رقیب: مراد از وحدت خداوند در آیات و روایات وحدت نوعی به معنای انحصار نوع در یک فرد است و این وحدت با وحدتی که در حکمت متعالیه مطرح است سازگاری ندارد.

1-7- پیش فرض های تحقیق

1- خداوند واجب الوجود است

2- هیچ نقصانی در وجود خداوند راه ندارد

3- خداوند صرف الوجود است

4- خداوند بی حد و نهایت است

1-8- روش انجام تحقیق

نوع روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی است

روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش فیش برداری است

2- گفتار دوم: مفهوم شناسی

2-1- وحدت حقه حقیقه در اصطلاح

واحد حقیقی در اصطلاح به معنای واحدی است که لذاته متصف به وحدت می شود بدون آنکه چیزی واسطه در عروض وحدت بر آن باشد. به عبارت دیگر واحد حقیقی چیزی است که اسناد وحدت بر آن اسناد حقیقی است و وحدت وصف برای خودش می باشد نه وصف برای متعلقش.

واحد حقه که یک قسم از واحد حقیقی است در اصطلاح به معنای واحدی است که وحدت عین ذات اوست و قابل تعدد و تکرر هم نیست در این قسم از وحدت موصوف به وحدت (یعنی واحد) با خود وحدت یکی است و هیچ مغایرتی با آن ندارد^۱.

گاهی گفته شده واحد حقه به معنای ذاتی است که واحد است از آن جهت که واحد

است به عبارت دیگر واحد بما هو واحد است.^۲

2-2- اقسام وحدت

در کتب مختلف اقسام گوناگونی برای واحد مطرح شده به طور مثال در «فرهنگ

فلسفی» پنج نوع واحد مطرح شده از قبیل «واحد عددی»، «واحد به احد» و...^۳ و یا در

1 - علامه سید محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه، مصحح و محقق غلام رضا فیاضی، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1385 ش، ص 155.

2 - مجمع البحوث الاسلامیه، شرح المصطلحات الفلسفیه، چاپ یکم، مجمع البحوث الاسلامیه، بی جا، بی تا، ص 432.

3 - جمیل صلیبا و منوچهر صانعی در بیدی، فرهنگ فلسفی، چاپ یکم، بی جا، انتشارات حکمت، بی تا، ص 654.

«فرهنگ معارف اسلامی»، 13 نوع واحد مطرح شده: از قبیل «واحد بالاتصال»، «واحد بالاجتماع»، «واحد بالترکیب»، «واحد بالجنس»، «واحد بالذات»، «واحد بالصوره»، «واحد بالطبع» و...^۱ و در «موسوعه مصطلحات الفلسفه عندالعرب» 26 نوع واحد مطرح شده از قبیل «واحد اول»، «واحد بالاتصال»، «واحد بالجنس»، «واحد بالحقیقه»، «واحد بالذات»، «واحد بسیط»، «واحد بالصوره»، «واحد بطریق التناسب» و...^۲

اما ما در این جا تقسیمی را که ملاصدرا در کتاب اسفار خود بیان کرده اند بیان می کنیم. زیرا کاملتر به نظر می رسد این تقسیم بندی به شرح زیر است:

واحد یا عین وحدت است یعنی آن، واحد است از آن جهت که واحد است مانند واحدی که ذات اقدس اله دارد یا آنکه واحد غیر از وحدت است و این قسم خود بر دو نوع است. حقیقی و غیر حقیقی. واحد حقیقی واحدی است که خودش ذاتاً متصف به وحدت می شود بدون آنکه واسطه در عروض و اتصاف داشته باشد به عبارت دیگر اتصاف او به وحدت یک اتصاف واقعی و عینی است مانند وحدتی که یک فرد از انسان دارد یا وحدتی که یک فرد از اسب دارد. اما واحد غیر حقیقی بر خلاف آن است. در واقع واحد غیر حقیقی آن واحدی است که چند شیء در یک امر واحدی که جهت مشترک آنهاست، اشتراک داشته باشند مانند چند انسان که در نوع انسان با هم یا چند حیوان از قبیل اسب، شتر، شیر و... که در حیوانیت با هم اشتراک دارند.

واحد غیر حقیقی نیز خود دارای اقسامی است. جهت مشترک در واحد غیر حقیقی یا مقوم آن اشیاء کثیر است و یا عارض بر آنهاست یا یک امر اضافی محض است.

اگر جهت وحدت در واحد غیر حقیقی مقوم امور متکثر باشد یعنی از ذاتیات امور متکثر باشد آن امر مقوم یا جنس آنهاست یا نوع و یا فصل آنها است. اگر جهت وحدت جنس باشد آن واحد غیر حقیقی را واحد به جنس می گویند مانند انسان و اسب که در حیوانیت با هم

1 - سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، انتشارات تهران، بی جا، بی تا، ج 3، ص 2093 - 2090.
2 - جبرار جهامی، موسوعه مصطلحات فلسفه عندالعرب، مکتبه لبنان ناشرون، بی جا، بی تا، ص 987 - 980.

اشتراک دارند و در صورتی که جهت اشتراک نوع باشد. این واحد غیر حقیقی را واحد به نوع می گویند مانند زید و عمر که در انسانیت شریکند و اگر جهت اشتراک در فصل باشد آن واحد غیر حقیقی را واحد به فصل گویند مانند زید و عمر که در ناطقیت با هم مشترک و واحدند.

اگر جهت اشتراک در واحد غیر حقیقی یک امر عارضی باشد آن امر عارضی یا محمول آنهاست مانند پنبه و برف که در سفیدی مشترکند این نوع واحد را واحد به محمول می گویند و یا آن امر عارضی موضوع آنهاست مانند نویسنده و ضاحک که در موضوع خود یعنی انسان شریکند و این واحد را واحد به موضوع می گویند.

و اگر جهت اشتراک یک امر اضافی باشد مانند آن جا که گفته می شود نسبت نفس با بدن مانند نسبت کشتی بان با کشتی است در این جا نفس با کشتی بان از آن جهت با هم اتحاد دارند که همان رابطه ای که نفس با بدن دارد همان رابطه را کشتی بان با کشتی دارد این نوع واحد را واحد بالاضافه می گویند.

واحد حقیقی نیز خود بر دو قسم است واحد حقیقی به معنی الاخص و واحد حقیقی به معنی الاعم. واحد حقیقی به معنی الاخص آن واحدی است که علاوه بر آن که وحدت به طور حقیقی به آن متصف می شود عین وحدت نیز هست و وحدت هیچ گونه زیادتی بر واحد ندارد و این واحد همان ذات باری تعالی است که هیچ گونه انقسامی را نمی پذیرد. واحد حقیقی به معنی الاعم آن واحدی است که وحدت وصف حقیقی آن است اگر چه عین آن نباشد مانند یک فرد از انسان یا اسب و . . .^۱

1 - در این جا به نظر می رسد که اشکالی وجود دارد چون در این تقسیم بندی گفته می شود که واحد دو نوع است یا عین ذات واحد است یا غیر ذات واحد است. اگر غیر ذات واحد باشد یا حقیقی است یا غیر حقیقی. سپس گفته می شود که واحد حقیقی نیز بر دو نوع است یا وحدت عین ذات واحد است یا غیر ذات واحد است و اشکال هم در این جاست چون وحدتی که عین واحد است هم قسیم وحدت حقیقی است و هم یکی از اقسام وحدت حقیقی است. اگر این تقسیم بندی به این صورت شرح می شد بهتر بود؛ واحد یا حقیقی است یا غیر حقیقی، واحد حقیقی یا عین وحدت است یا عین وحدت نیست.

واحد حقیقی به معنی الاعم نیز خود بر سه نوع است یا واحد عددی است یا واحد نوعی است یا واحد جنسی است.

واحد عددی یعنی یک شخص واحد مانند یک فرد خاص از انسان یا یک فرد خاص از اسب و واحد نوعی یعنی یک نوع واحد و واحد جنسی یعنی یک جنس واحد.

واحد عددی خود بر دو قسم است یا واحدی است که به حسب خارج تقسیم نمی شود مانند موجودات مجرد عقلی یا تقسیم می شود و آنچه که تقسیم می شود یا دارای وحدت اتصالی است یا دارای وحدت اتصالی نیست.

وحدت اتصالی واحدی است که بالقوه به سوی اجزایی تقسیم می شود که آن اجزاء در تمام حقیقتشان متحدند و این واحد اتصالی یا ذاتاً انقسام پذیر است مثل مقدار و کم متصل یا با واسطه غیر تقسیم پذیر است مانند جسم واحد بسیط نظیر هوا و یا آب که به واسطه مقداری که قائم به آنهاست قبول انقسام می کنند.

شیء تقسیم پذیر اگر دارای وحدت اتصالی نباشد واحد بالترکیب یا واحد بالاجتماع نامیده می شود این قسم مرکب از اجزائی است که دارای کثرت بالفعل هستند مانند کم منفصل.

واحد عددی قسمت پذیر اعم از آن که دارای وحدت اتصالی باشد یا نباشد بر دو قسم است یا همه آنچه که برای آن ممکن است در آن حاصل است که به آن واحد بالتمام می گویند یا همه آنچه که برای آن ممکن است در آن حاصل نیست که این واحد را واحد کسیر (شکسته) می نامند و تمامیت یک چیز یا بر حسب وضع و قرار داد است مانند درهم واحد یا بر حسب صناعت است مانند یک خانه کامل یا بر حسب طبیعت است مانند انسان وقتی که تمام اعضای آن کامل باشد.

و آن واحدی که به حسب خارج نه بالقوه و نه بالفعل قابل انقسام نبود نیز بر دو قسم است یا دارای وضع است و قابل اشاره حسیه هست مانند نقطه و یا دارای وضع نیست و قابل اشاره حسیه نیست مانند عقل شخصی و یا نفس شخصی^۱.

در این جا سؤالی که پیش می آید این است که وحدت حقه حقیقیه کدام نوع از وحدت هایی است که ملاصدرا در این جا نام برده در جواب باید گفت که وحدت حقه حقیقیه همان وحدت حقیقی به معنی الاخص است یعنی واحدی که صفت وحدت واقعی آن است و علاوه بر آن عین وحدت نیز هست و صفت وحدت هیچ گونه زیادتی بر آن ندارد.

1 - آیت الله عبدالله جوادی آملی، رحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه)، 10 جلد، چاپ سوم، قم، مرکز نشر اسراء، 1386 ش، ج 7، ص 30-25.